یادداشت

مرتضی سیمیاری

چرا پروژه اوکراینی کردن ایران شکست خورد؟

سال ۱۹۹۱ حسن الترابی از رهبران اخوان المسلمین در سودان کنگره‌ای را در خارطوم پایتخت آن کشور برگزار می‌کند، در آن نشست سیاسی اخوانی‌های سودان از برخی رهبران گروه‌های سیاسی در منطقه دعوت کرده و حتی اسامه بن‌لادن در یکی از بخش‌های آن به بیان نظرات خود درباره آینده آفریقا می‌پردازد. سودانی‌ها آن روزها گمان می‌کردند که می‌توانند پرچمدار مقابله با غرب باشند! دو سال بعد از برگزاری آن کنگره امریکایی‌ها سودان را تحریم شدید کرده و پنج سال پس از برگزاری مجدد آن همایش سیاسی، جنگنده‌های ارتش امریکا بدون هیچ دلیلی کارخانه داروسازی الشفا را بمباران می‌کند. سخنگوی کاخ سفید دلیل این عملیات را تولید گاز «وی ایکس» اعلام کرد.

پس از این ماجرا، به‌یکباره ورق برگشته و سودانی‌ها که تا چند ماه قبل خود را پرچمدار مقابله با امریکا می‌دانستند، تغییر موضع اساسی می‌دهند. حسن الترابی در مصاحبه‌ای اعلام می‌کند که مقاومت امری همیشگی نیست و می‌توان گاهی سازش کرد! روزنامه واشنگتن‌پست پس از انتشار سخنان لیدر اخوانی‌ها در یادداشتی تحلیلی و مهم نوشت: تنها راه مقابله با جهادی‌ها «فشار» است، باید آنها را زیر سنگ گذاشته و له کرد، جهان نباید سخنان ترابی را باور کند! تجربه سودانی‌ها بسیار قابل توجه و عجیب است. در حالی که امریکایی‌ها سودان را در لیست سیاه قرار داده و این کشور را در محور ضد صهیونیستی طبقه‌بندی کرده بودند، مصطفی اسماعیل عثمان، وزیر امور خارجه وقت سودان، در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ به سراغ بیل کلینتون، رئیس‌جمهور امریکا می‌رود، در کنار میز او تا کمر خم می‌شود و از او خواهش می‌کند به حل مشکلات سودان کمک کند.

سودانی‌ها فکر می‌کردند که اگر دست از مقاومت بردارند و با امریکایی‌ها سازش کنند، هم زیرساخت‌های آن کشور از گزند بمب‌های امریکایی در امان می‌ماند و هم از شر تحریم‌های سفت و سخت خلاص می‌شوند. پس از دیدار وزیر سودانی با رئیس‌جمهور امریکا موضع رسانه‌های غربی به ناگهان عوض شد! رسانه‌های دست راستی که تا همین چند ماه قبل گفت‌وگو با سودانی‌ها را مماشات با خط تروریسم می‌خواندند، پس از دیدار وزیر سودانی با رئیس‌جمهور امریکا اقدام او را عملی قهرمانانه خواندند. روزنامه نیویورک‌تایمز در یادداشتی سودان را همکار آفریقایی دولت کلینتون خواند! بعدها مشخص شد که امریکا از سودانی‌ها خواسته است که برای نشان دادن «حسن نیت» با واشنگتن همکاری ضد تروریستی داشته باشد. پس از این ماجرا «تعاملات امنیتی» میان سودان و امریکا در مبارزه با تروریسم آغاز شد. روزنامه گاردین بعدها فاش کرد که سودان هیچ سودی از این توافق نبرده است. جالب آنکه همکاری‌های امنیتی میان خارطوم و واشنگتن حتی در دوران حکومت بوش پسر نیز ادامه یافت اما ثمره همکاری میان دو کشور به جای اروپایی کردن خارطوم و بهره بردن از مواهب همکاری با غرب، ضربه سنگینی به حیثیت سیاسی سودان زد!

سال ۲۰۰۵ و با مشورت امریکا، عمرالبشیر رئیس‌جمهور وقت سودان با جان گارانگ، رهبر گروه تجزیه‌طلب جنبش آزادی‌بخش سودان جنوبی مصالحه کرده و یک قرارداد ننگین با نام «نیفاشا» امضا شد. نتیجه امضای توافقنامه نیفاشا برگزاری «رفراندوم جنوب» در سال ۲۰۰۹ بود که در سال ۲۰۱۱ منجر به جدایی سودان جنوبی از خانه مادری شد. بعدها جدا شدن جنوب از سودان به‌عنوان مهم‌ترین میوه نزدیک شدن سودان به امریکا و اروپا یاد شد. پس از جدایی سودان جنوبی، دولت مرکزی از ۷۵ درصد درآمد ناشی از فروش نفت و دسترسی به آب رودخانه نیل محروم شد. روزنامه مصری الیوم چاپ قاهره در شرح این ماجرا نوشت: نتیجه تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط با امریکا منجر به تجزیه سودان و افزایش فشارهای اقتصادی و معیشتی علیه دولت و مردم در هر دو قسمت سودان شمالی و جنوبی شد. پس از جدا شدن جنوب، آتش تجزیه به شرق سودان نیز امتداد یافته و «بحران دارفور» آغاز شد. دولت خارطوم با خیال خام اتکا به همکاری‌های امنیتی با امریکا به سرکوب شدید شورش در دارفور اقدام کرد. نتیجه خاموش کردن شورش‌ها در دارفور آن بود که دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۹ عمر البشیر، رئیس‌جمهوری سودان را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی تحت پیگرد قانونی قرار داد. پس از آن امریکایی‌ها در اقدامی که برای دولت سودان باورپذیر نبود، عمر البشیر را در لیست سیاه قرار داده و سودان با تحریم‌های شدید روبه‌رو شد. حادثه عجیبی بود! دولتی که روزگاری می‌خواست پرچم مقابله با امریکا را در دست بگیرد، درنتیجه تحلیل‌های غلط و عجولانه در «اعتماد بی‌جا به غرب» نه تنها بخش مهمی از خاکش را از دست داده بود، بلکه با تشدید تحریم و فشار شدید بین‌المللی روبه‌رو گردیده بود.

در این داستان تراژیک تیر آخر را عمر البشیر به خود شلیک و سال ۲۰۱۶ در حمایت از رژیم سعودی روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد. در حالی که آن روزها تهران به‌تنهایی بار مقابله با تروریسم را در منطقه به دوش می‌کشید عمر البشیر بار دیگر تصمیم مهلکی گرفته و با اعتماد به ریاض میخی محکم بر تابوتش زد. دولت سودان در آن روزها سربازان پیاده را در جنگ با یمن برای آل‌سعود تأمین می‌کرد اما این اعتماد به سعودی نیز دوام زیادی نداشت! آوریل ۲۰۱۹ البشیر با اشاره عربستان و امارات متحده عربی از قدرت خلع شد و اینک در زندان در انتظار محاکمه و تحویل احتمالی به دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی یا مرگ در حبس به سر می‌برد.

سرنوشت سودان برای همیشه در تاریخ ثبت‌شده است اما چه تعداد از رهبران جهان از آن پند گرفته‌اند؟ پاسخ به این سؤال در شطرنج سیاست خیلی سخت نیست. عاقبت حسنی مبارک، محمد مرسی و بن‌علی در آفریقا، آواره شدن اشرف غنی در دبی و افتادن زلنسکی در میان شعله‌های آتش در کی‌یف نشان می‌دهد که اعتماد بیش‌ازحد به غرب و سازش با امریکا هزینه‌هایی بس سنگین دارد.

این روزها رئیس‌جمهور اوکراین چون یک عروسک خیمه‌شب‌بازی با چراغ سبز از تل‌آویو گمان می‌کرد که اگر چتر ناتو را تا مرز روسیه باز کند، به‌زودی دلارهای امریکایی به این کشور سرازیر می‌شود و اوکراین علاوه بر عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا کشوری پیشرفته در تراز گروه ۲۰ خواهد شد! اما آثار باقی‌مانده از موشک‌های بالستیک روسی در میدان آزادی شهر خارکیف نشان داد که زلنسکی از غربی‌ها رودست‌خورده و آنها فقط به‌اندازه یک «دعا» حاضرند او را در این جنگ همراهی کنند. حتی کمک‌های ویژه اروپا چون ارسال جنگنده‌های لهستانی سرابی بیش نبوده و جز چند کلاشینکف و کوکتل مولوتف چیزی برای زلنسکی برای دفاع از خود در آخرین سنگر در میدان استقلال (میدان اصلی شهر کی‌یف) باقی نمانده است.

شنیده شده است که زلنسکی در زیر زمین امنیتی خود گفته است که حتی رژیم صهیونیستی نیز او را ناامید کرده است! در حالی که ستون‌های زرهی ارتش سرخ در ۳۰ کیلومتری شهر کی‌یف منتظر دستور پوتین برای آخرین عملیات است، بایدن به‌روزهای پس از زلنسکی فکر می‌کند. سرنوشت عمرالبشیر، اشرف غنی و زلنسکی را باید قاب کرده و سال‌ها در دانشکده‌های مرتبط با روابط خارجی و امنیت ملی مورد بحث قرار داد. در ایران نیز این قمار با خوش‌خیالی برخی در ورود دلارهای امریکایی و خرید بوئینگ با نام «برجام‌های ۲ و ۳» و نیز «برجام موشکی» در دستور کار بود، رهبر انقلاب در برابر آن دسیسه «اوکراینی کردن ایران» به‌تنهایی ایستادگی کرد. ایستادگی مقاومت در برابر سازش، پروژه اوکرانیزه کردن ایران را به شکست کشاند.

گزارش

رونمایی از ۲ پایگاه موشکی و پهپادی نیروی هوافضای سپاه

دستمان پر است

فرمانده کل سپاه: به اندازه کافی سلاح‌های مؤثر با دانش بومی داریم

فرمانده نیروی هوافضای سپاه: از پایگاهی که امروز رونمایی شد در لحظه می‌توانیم ۶۰ پهپاد را بدون محدودیت برد به پرواز درآوریم

در آستانه فرارسیدن روز پاسدار، دو پایگاه موشکی و پهپادی نیروی هوافضای سپاه با حضور فرمانده کل سپاه رونمایی و وارد چرخه عملیاتی شد.

به گزارش سپاه نیوز، همزمان با اعیاد فرخنده ماه شعبان و در آستانه روز پاسدار، دو پایگاه موشکی و پهپادی نیروی هوافضای سپاه با حضور سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رونمایی و وارد چرخه عملیاتی شد. بنا بر این گزارش، این پایگاه‌های تونلی که در دل کوه‌های مرتفع ساخته شده است، محل نگهداری سامانه‌های موشکی زمین به زمین با تجهیزات پیشرفته و نیز پهپادهای تهاجمی نفوذ پذیر در شبکه‌های راداری و پدافندی دشمن است که با هدایت نیروهای انقلابی جوان و با انگیزه، به‌دژ مستحکم ایران اسلامی در مقابل دشمنان و بدخواهان ایران اسلامی تبدیل شده است.

اولین بار است که نیروی هوافضای سپاه از یک پایگاه زیرزمینی پهپادی رونمایی می‌کند. وجود پهپادهایی با برد ۲ هزار کیلومتر، سکوهای پرتاب موشک‌های دو فروندی، سکوهای پرتاب چند فروندی پهپاد با دقت و کیفیت ترکیب این سامانه‌ها که اخیراً در رزمایش پیامبر اعظم (ص) ۱۷ به نمایش گذاشته شد، نشان از تأثیرگذاری شگفت این پایگاه‌ها در دفاع و صیانت از امنیت ایران اسلامی و ملت ایران مقابل هر تهدیدی دارد.

■ قدرتی که از سوی طاغوت به کسی داده شود نمی‌جنگد

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آیین رونمایی از این دو پایگاه جدید موشکی و پهپادی سپاه با قدردانی از اقدامات تحولی و هوشمندانه با نگاه به آینده فناوری به دست نیروی هوافضای سپاه در پیشبرد راهبرد بازدارندگی دفاعی ایران اسلامی گفت: «زمانی از دست‌های خالی صحبت می‌کردیم و جنگیدیم، در همان مقطع هم بر جبهه دشمنان پیروز شدیم اما امروز همان ایمان را داریم، همان امام و فرمانده را داریم، همان ملت و آرمان را داریم اما به فضل الهی دست‌های‌مان پر است.»

سرلشکر سلامی تجلی ظهور قدرت واقعی را در موشک، پهپاد، پدافند، هواپیما و شناور عنوان و اظهار کرد: «اما ریشه این قدرت و سرشت و خلقت آن در باورها، اعتقادات و قلب و ذهن انسان‌ها است.» وی با بیان اینکه قدرتی که از سوی طاغوت به کسی داده شود نمی‌جنگد، گفت، «ارتشی که بسیار مجهز و امروزی بود، توسط قدرت امریکا در افغانستان حتی برای ۱۰ دقیقه نجنگید».

فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه تکیه گاه ما سلاح نیست، بلکه عزم، اراده و ایمان ما است، گفت که با وجود این بحمدالله به اندازه کافی سلاح‌های مؤثر با دانش بومی داریم.

■ قدرت آتش موشکی و شلیک‌های همزمان ۷ برابر شده

فرمانده نیروی هوافضای سپاه با تأکید بر اینکه قدرت ما به صورت نمایی افزایش پیدا کرده است گفت: «قدرت آتش موشکی و شلیک‌های همزمان ما بیش از شش تا هفت برابر شده است و زمان آمادگی‌ها و فاصله آمادگی برای شلیک هم بسیار کاهش پیدا کرده است.»

به گزارش سپاه نیوز، سردار سرتیپ پاسدار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه اظهار کرد: «ما بیانی را که حضرت آقا به عنوان یک تکلیف الهی به مجموعه سپاه و نیروهای مسلح فرمودند مبنی بر اینکه باید قوی شوید، به عنوان یک فرمان در مجموعه نیروی هوافضای سپاه با جدیت دنبال کردیم و با تلاش شبانه‌روزی و حمایت عزیزان مؤثر، بحمدالله توانستیم این حرکت را انجام بدهیم. هم اکنون در این پایگاه در لحظه می‌توانیم ۶۰ فروند پهپاد را به پرواز درآوریم و به دلیل آنکه برد این پرنده‌های بدون سرنشین زیاد است و محدود نیست، محدودیت هدف نداریم و هر هدف متخاصمی را می‌توانیم مورد اصابت قرار دهیم.»

فرمانده نیروی هوافضای سپاه گفت: «قدرت آتش موشکی و شلیک‌های همزمان ما بیش از شش تا هفت برابر شده است و زمان آمادگی‌ها و فاصله آمادگی برای شلیک هم بسیار کاهش پیدا کرده است.» سردار حاجی زاده حرف زدن دشمن از قدرت پهپادی سپاه را نشانه افزایش تنوع قدرت ایران توصیف و خاطرنشان کرد، یک روز دشمن از هسته‌ای ما حرف می‌زند چندی است هم راجع به موشکی می‌گوید و این یعنی قدرت سیاسی آنها توزیع شده است.

■ خط بطلانی بر دوگانه دروغین جنگ و مذاکره

رونمایی از پایگاه‌های جدید موشکی و پهپادی هوافضای سپاه، در اوج مذاکرات وین که پیش از این هم با رونمایی از موشک راهبردی خیبرشکن و همچنین شبیه‌سازی حمله به سایت هسته‌ای دیمونا در سرزمین‌های اشغالی در خلال برگزاری رزمایش پیامبر اعظم، تکرار شده بود، ناشی از این حقیقت است که برخلاف تصورات دولت گذشته که هر دستاورد دفاعی را با دوگانه مذاکره و جنگ زیر سؤال می‌برد، توان دفاعی و بازدارندگی پشتوانه محکمی برای هر گونه مذاکره است و این قبیل آمادگی‌های دفاعی نه تنها مقابله با مذاکره نیست که اتفاقاً مکمل آن است. از این رو بود که ۲۱ بهمن ماه روزنامه دولتی ایران در جریان برگزاری رزمایش اعظم (ص) سپاه نوشت: «میدان و دیپلماسی پا به پای یکدیگر پیش می‌روند و برای دفاع از حقوق مردم از هیچ‌گونه اقدام مشروع و قانونی فروگذار نمی‌کنند. چه در زمانی که صهیونیست‌ها با تهدیدات توخالی و گزافه خود جمهوری ایران را تهدید به حمله نظامی می‌کردند و چه اکنون که امریکایی‌ها تلاش دارند با تعیین ضرب‌الاجل‌های بی‌معنا عقب‌نشینی ایران از رفع کامل و مؤثر تحریم‌ها را در سایه ادعای کمبود وقت به کشورمان تحمیل کنند. یک بار ایران با رزمایش پیامبر اعظم(ص) و شبیه‌سازی حمله به سایت هسته‌ای دیمونا در سرزمین‌های اشغالی و بار دیگر با رونمایی از موشک راهبردی و معنادار «خیبرشکن» همزمان با مذاکرات پیچیده وین دست متحد و قدرتمند ایران در عرصه بین‌الملل را به نمایش گذاشته است.»

■ رازی که ۸ سال سر به مهر باقی بود!

پیشتر هم خبرگزاری فارس ۱۷ آبان ماه در گزارشی در نقد مواضع دولتمردان سابق نوشته بود: دولتمردان از رئیس‌جمهور گرفته تا وزیر امور خارجه و جریان حامی دولت مدام در اظهار نظرهایشان این گزاره را در جامعه جا می‌انداختند که نظامی‌گری، مانع گفت‌وگو است و تا اطلاع ثانوی و تا وقتی که از رهگذر مذاکره با ۵+۱ تحریم‌ها را لغو نکرده‌ایم، به صلاح نیست که نمود و بروز نظامی داشته باشیم. در مقابل اما جریانی مدام تأکید می‌کرد که اتفاقاً توان دفاعی مقوم توان دیپلماتیک است و اگر غرب بفهمد که مذاکره‌کنندگان از عقبه قدرتمند نظامی برخوردار هستند، مجبورند در زمین دیپلماسی امتیازات لازم را به ایران بدهند.

خبرگزاری فارس سپس به سندی از ناگفته‌های ظریف در کتابی تحت عنوان «راز سر به مهر» اشاره کرده و می‌نویسد: «در بخشی از این کتاب که بنا به خاطرات محمدجواد ظریف، علی‌اکبر صالحی، سیدعباس عراقچی و مجید تخت‌روانچی از مذاکرات به رشته تحریر درآمده، به خاطره‌ای از ظریف اشاره شده است که او رسماً از وزیر دفاع وقت درخواست می‌کند که ایران آزمایش موشکی انجام دهد. کتاب راز سر به مهر ادامه می‌دهد که «در تاریخ سه‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۲، خانم شرمن در ایمیلی به آقای عراقچی خبر داده بود که تحریم تعدادی شرکت ایرانی و غیرایرانی روز پنج‌شنبه ۱۷ بهمن انجام می‌شود، لذا دکتر ظریف در تماس تلفنی با وزیر دفاع به ایشان اطلاع می‌دهد که امریکایی‌ها تصمیم دارند تعدادی از افراد و شرکت‌ها را در روز یادشده تحریم کنند و به ایشان پیشنهاد می‌کند که به‌عنوان اقدام متقابل ضمن هماهنگی با ریاست‌جمهوری آمادگی لازم برای انجام آزمایش موشکی و پرتاب ماهواره برای روز پنج‌شنبه یا جمعه را ایجاد نماید. وزیر دفاع پس از پیگیری با متولیان صنعت هوا ـ فضا در پاسخ بیان می‌دارند که برای پرتاب ماهواره مشکل فنی وجود دارد و آزمایش موشکی نیز نیاز به زمان و انجام مقدماتی دارد که ایشان هر دو مورد را پیگیری خواهد کرد. دکتر ظریف در جلسه روز بعد (چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۲) دولت و در تماس‌های مکرر تلفنی موضوع را با وزیر دفاع پیگیری می‌کند تا از انجام موضوع مطمئن شود.»

این سند منتشر شده حاکی از این است که تیم مذاکره‌کننده دولت سابق رویکرد دوگانه‌ای را در قبال سیستم نظامی کشور در پیش گرفته بود، بدین صورت که در افکار عمومی تلاش داشتند تقابل با نظامی‌ها را به عنوان یک دوقطبی ابزار سیاسی خود کنند، در حالی که خود در بزنگاه‌ها می‌دیدند که بدون توان دفاعی نمی‌شود مذاکره کرد.

ویژه

■ کمیسیون ماده ۱۰ احزاب علیه خانم قانون‌شکن

مالک شریعتی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در صفحه توئیتر خود خبر داده که در جلسه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، به «اجماع اعضای حاضر»، کنگره اخیر حزب اتحاد ملت، «غیرقانونی» دانسته شد. در توئیت مذکور، دلیل این غیرقانونی دانستن، دو مورد ذکر شده است: «به علت حدنصاب نداشتن حضار» و همچنین «به علت محکومیت قطعی دبیرکل و چندین عضو دیگر» حزب. در ابتدای این توئیت آمده که طرح موضوع حزب اتحاد ملت در جلسه رسمی کمیسیون، به علت «عدم توجه خانم آذر منصوری به تذکرات متعدد دبیرخانه کمیسیون» بوده است.

اوایل آذر ماه سال جاری بود که آذر منصوری به عنوان دبیر کل حزب تندروی «اتحاد ملت» انتخاب شد و خبر آن با آب و تاب در رسانه‌های اصلاح‌طلب بازتاب یافت. دلیل این استقبال زیادی، صرفاً جنسیت دبیر کل جدید بود. همین که یک «زن» به عنوان دبیر کل حزب اتحاد ملت انتخاب شده بود، برای بسیاری از اصلاح‌طلبان کفایت می‌کرد و تیتر «خانم دبیر کل» که مشخصاً تیتری جنسیتی بود، روی عکس آذر منصوری بر صفحه یک روزنامه رفت و نوشتند که این حزب «با انتخاب آذر منصوری فصلی نو را در مسیر اصلاحات آغاز کرد.»

همان ایام بود که مالک شریعتی، با تیتر «خانم قانون‌شکن» توئیت زد که «به عنوان عضو کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، عرض می‌کنم به علت حکم قطعی دادگاه و وفق قانون، خانم آذر منصوری صلاحیت فعالیت حزبی ندارد.» او از ابلاغ موضوع به خود منصوری و حزب اتحاد ملت و بی توجهی آنان نوشت و در نهایت توئیتش را با عبارت «ادعای قانونمداری غربگرایان و اصرار بر قانون‌شکنی» به پایان برد.

واقعیت این است که حق با مالک شریعتی است. ماده ۵ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در مورد افرادی است که از حق تأسیس حزب یا عضویت در آن محرومند و در بندی از آن آمده «کسانی که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند.»

آذر منصوری، سال ۸۸ دستگیر و به اتهامات امنیتی متعدد «اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات»، «تبلیغ علیه نظام»، «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» و «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی» حکم سه سال زندان از شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب دریافت کرد.

به‌رغم تذکر کمیسیون و توئیت‌های مالک شریعتی، حزب اتحاد ملت و شخص آذر منصوری اعتنایی به این قضیه نداشته و قانون را هیچ حساب کرده‌اند. این در حالی است که اصلاح‌طلبان همواره شعار قانونمندی داده و رقبای سیاسی خود را متهم به قانون‌شکنی می‌کنند.

■ مزدوران امریکا در افغانستان لژیونر جنگی امریکا در اوکراین می‌شوند؟

بی‌بی‌سی فارسی در مطلبی با تیتر «جنگ اوکراین؛ ایجاد لژیون افغان در ارتش امریکا عملی است؟» خبر داده که «فیلیپ کوسنت، دیپلمات پیشین و از اعضای ارشد مرکز تحلیل سیاست اروپا (CEPA) که سابقه خدمت در افغانستان و عراق را نیز داشته اخیراً در مطلبی در سایت این مرکز پیشنهاد کرده که ارتش امریکا واحدی از نیروهای امنیتی افغان تخلیه‌شده ایجاد کند. او می‌گوید با جنگ اوکراین، ارتش ایالات متحده فشار جدید ناشی از اعزام نیروها به سبک جنگ سرد را احساس می‌کند و به کارگیری افغان‌ها «یک راه‌حل» این مشکل است.»

داود ناجی، مشاور ارشد در شورای امنیت ملی دولت پیشین افغانستان نیز به بی‌بی‌سی گفته که «نیروهای امنیتی موسوم به «قطعات خاص» در سطح بالایی آموزش دیده و تجربه جنگی دارند. فرماندهان آنها نیز مهارت‌های عملیاتی، سلاح‌ها و فرماندهی را در مراکز ناتو آموخته‌اند و در هر سیستم جنگی ناتو می‌توانند بجنگند.» در عین حال او تأکید کرد که «استفاده احتمالی از این نیروها برای جنگ در اوکراین که ناتو نیروی کافی در آن منطقه دارد، در واقع به نوعی استفاده «اجباری» از مهارت‌های آنهاست.»

بی‌بی‌سی همچنین نوشته که «سال گذشته نیز رسانه‌های بریتانیایی درباره طرح استفاده از نیروهای ویژه تخلیه شده افغان به بریتانیا برای عملیات‌ها در خارج گزارش داده بودند.» بنا بر آنچه بی‌بی‌سی نوشته «کوسنت نوشته که مانند واحدهای «گورکا» نپالی که از سال ۱۸۱۵ خدمات طولانی و با سابقه‌ای برای ارتش بریتانیا ارائه کرده‌اند، پیشنهاد می‌کنم امریکا نیز ابتکار مشابه بریتانیا را روی دست بگیرد و یک «لژیون افغان» در ارتش ایالات متحده ایجاد کند.»

به نظر می‌رسد بر مبنای آنچه او نوشته، نیروهای مزدور پیشین امریکا در افغانستان روی دست امریکا مانده‌اند: «به خاطر تخلیه آشفته و پر هرج و مرج در فرودگاه کابل خیلی از افرادی که وابستگی خاصی به امریکا نداشتند اما خوش شانس بودند که وارد هواپیما شدند و به امریکا رسیده‌اند. با شماری از افغان‌های تخلیه شده به امریکا و اروپا ملاقات کرده‌ام، افرادی با تحصیلات دانشگاهی و آشنا به چند زبان و مهارت شغلی و افرادی که انگلیسی نمی‌دانند، تحصیل نکرده و هیچ مهارتی ندارند جز قاطعیت. ادغام این افراد در جامعه میزبان دشوار خواهد بود. شمار زیادی از نیروهای امنیتی پیشین افغان که به امریکا برده شده‌اند، در وضعیت نابسامان و سردرگم به سر می‌برند و شاید علاقه‌مند ثبت نام در ارتش امریکا شوند و برای این دسته می‌توان امتیازهایی در نظر گرفت مثلاً پنج سال انتظار گرفتن تابعیت امریکا به یک سال کاهش یابد.»

سرنوشت آنهایی که آویزان وعده‌های غرب می‌شوند، همین مزدوری برای اهداف امریکاست. در ایران هم کم نیستند کسانی که قبله آمالشان امریکاست ولی همفکرانی از آنها که از ایران رفته‌اند، بخشی از مزدوران دولت امریکا علیه ایران شده‌اند.

یادداشت

حسین عبداللهی‌فر

امروز نوبت سپاه است!

«امروز نوبت سپاه است.» این جمله را رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در آخرین روزهای بهمن ماه در تبیین روش‌های دشمن برای جدا کردن مردم از نظام به لجن‌پراکنی و تهمت زنی علیه ارکان انقلاب بیان کرده و فرمودند: «به مراکزی که در پیشرفت انقلاب تأثیر دارند تهمت می‌زنند. یک روز به مجلس، یک روز به مجلس شورای اسلامی، یک روز به شورای نگهبان، یک روز به سپاه؛ امروز نوبت سپاه است. به سپاه تهمت بزنند. لجن پراکنی کنند و...»

اگرچه این سخنان بی ارتباط با انتشار یک فایل صوتی علیه فرماندهان سابق سپاه نبود اما هشدار معظم‌له بیانگر برنامه‌ریزی دشمن برای تخریب ارکان انقلاب به‌ویژه سپاه پاسداران بود. چنانکه در مقدمه آن جمله کوتاه فرمودند: «با نگاه من، آن طور که بنده اوضاع را مشاهده می‌کنم، دشمن ملّت را هدف گرفته، افکار عمومی را هدف گرفته، فکر جوان‌ها را هدف گرفته؛ میلیاردها دلار دارند خرج می‌کنند، در این اتاق‌های فکرشان - به اصطلاح خودشان اتاق‌های فکر و گروه‌های اندیشه‌ورز - دارند تلاش می‌کنند.»

چند روز بعد محصول دیگری از اتاق فکر دشمن در لجن‌پراکنی علیه سپاه به افکار عمومی عرضه شد که بیانگر برنامه‌ریزی شتابزده و خالی بودن دستشان برای یافتن موضوع مناسب است. تا جایی که ناگزیر شده از موضوعی بی ارتباط و کم اهمیت مانند ادعای یک خانم مبنی بر نفوذ به چند رسانه انگلیسی‌زبان کشورمان بهره گرفته و اقدام به جعل مصاحبه‌ای از قول وی نمایند تا شاید بتوانند فساد اخلاقی را پس از ادعای فساد مالی به این شجره طیبه متصل کنند.

این در حالی است که نه تنها در عالم واقع هیچ ارتباطی میان سوژه مورد نظر آنها با عنوان «کاترین پرز شکدم» با سپاه پاسداران، نشریات یا سرداران و مسئولان آن وجود نداشته، بلکه در متن مصاحبه کذایی وی با روزنامه‌های صهیونیستی نیز هیچ نامی از سپاه یا سرداری از آن وجود ندارد. از این رو، جاسازی عبارات علیه سپاه و سرداران آن به اندازه‌ای ناشیانه صورت می‌گیرد که شبکه‌های ضد انقلاب هم قادر به بهره‌برداری از آن نشده‌اند. ضمن آنکه در اصل ماجرای فرد مورد اشاره نیز تشکیک نموده و به بازگشت وی به دید مشکوک می‌نگرند تا جایی که برخی از رسانه‌ها از او به عنوان جاسوس دو طرفه یاد کرده‌اند.

این اقدام خصمانه اتاق‌های فکر دشمن به همان اندازه که احمقانه و ناشیانه طراحی شده به همان حد نیز حاکی از استمرار حرکت دشمن بر دروغ پردازی، تهمت زنی و لجن پراکنی علیه نهاد مقدس و مؤثر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. از این رو به نظر می‌رسد آنچه بیش از چگونگی تخریب‌ها اهمیت دارد، چرایی تمرکز دشمن بر سپاه پاسداران در شرایط کنونی است. به عبارت دیگر مسئله اساسی این است که چرا امروز نوبت سپاه است؟

در این خصوص حداقل می‌توان به سه پاسخ اساسی اشاره کرد:

الف) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانسته است نظام جمهوری اسلامی را در مقابله با تهدید سخت به نقطه آسیب‌ناپذیر برساند؛ موضوعی که در جنگ اوکراین اهمیت آن بیش از پیش روشن شده و فرضیه پایان عصر موشک را باطل کرد. با عنایت به اهمیت ضلع قدرت نظامی در جنگ‌های ترکیبی، ارائه تصویری فساد آلود از وضعیت مالی و زیست غیراخلاقی فرماندهان و مسئولان سپاه می‌تواند دورنمای امیدبخش و الگوساز از اسطوره‌های سپاه را به ضد خود تبدیل کند.

ب) سپاه پاسداران در عرصه مقابله با جنگ شناختی نیز مانند سایر عرصه‌ها نقش پیشتازی و پیشبرندگی دارد و می‌تواند تأثیر این جنگ را در مخاطبان دشمن کاهش دهد. بنابراین، بی اعتبارسازی فرماندهان قرارگاه‌های جهاد تبیین در دستور کار قرار گرفته است. هجمه به فرمانده قرارگاه بقیه الله در انتشار فایل صوتی و معاون سیاسی سپاه در مصاحبه ساختگی در همین راستا قابل ارزیابی است.

ج) نقش سپاه پاسداران در محرومیت‌زدایی و قرارگرفتن در کنار اقشار ضعیف جامعه که در قالب کمک‌های مؤمنانه، خانه‌سازی آسیب‌دیدگان از سیل و زلزله، آبرسانی و سایر زمینه‌های اجتماعی تبلور یافته تا حدود زیادی به افزایش امید مردم به حل مشکلات کشور کمک کرده که کاهش این آسیب‌ها یکی از اصلی‌ترین اهداف دشمن در جنگ‌های شناختی است. به‌ویژه آنکه هسته سخت نظام و نیروهای انقلابی با اتصال به مرجعیت سیاسی و فکری سپاه در عرصه جهاد تبیین به روشنگری و بصیرت افزایی پرداخته و نقشه‌های دشمن در جنگ ترکیبی را خنثی می‌نمایند.

خبر

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:

دشمنان زخم خورده خدمات سپاه را وارونه روایت می‌کنند

خدمات دشمن‌شکن سپاه به ایران و ایرانی و بلکه آحاد ملت‌های مسلمان منطقه آن قدر درخشان است که فقط دشمنان زخم خورده از ملت و سپاه عزیز می‌توانند آن را منکر شوند یا وارونه روایت کنند.

به گزارش فارس، سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیامی به مناسبت فرارسیدن سوم شعبان المعظم سالروز میلاد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار نوشته است: خدمات و نقش آفرینی‌های تابناک و دشمن شکن سپاه به ایران و ایرانی و بلکه آحاد ملت‌های مسلمان منطقه راهبردی غرب آسیا آن قدر گسترده و درخشان است که تنها دشمنان زخم خورده از ملت و سپاه عزیز می‌توانند آن را منکر شوند یا وارونه روایت کنند.

کشور ما از سپیده دم پیروزی انقلاب تا به امروز که ۴۳ سال از تولد سپاه در این سرزمین می‌گذرد، شاهد حضور بالنده و مقتدر پاسداران انقلاب در مقابله با زنجیره‌ای از توطئه‌ها، بحران‌ها و فتنه‌های ویرانگر و براندازانه نظام سلطه و صهیونیسم بوده است که شکست قطعی آنها مرهون حماسه‌های ماندگار و الهام‌بخش پاسداران جان بر کف انقلاب و همراهی آحاد نیروهای مدافع میهن اسلامی بوده است، به گونه‌ای که با تأسی به خمینی عزیز با قاطعیت می‌توان گفت بدون حضور قدرت بازدارنده و مردمی سپاه چه بسا نامی از ایران عزیز در جغرافیای عالم باقی نمی‌ماند.

سرلشکر باقری افزوده است: ملت ایران به وجود چنین سپاهی که با اقتدار و توانمندی‌های خود تهدیدهای مهیب دشمنان به ویژه رژیم مافیایی و تروریستی ایالات متحده امریکا را خنثی کرده است همواره بالیده است و دشمن باید هم از دامنه و گستره این ارادت و محبت به پاسداران انقلاب که حقارت آنان در «میدان» را رقم زده است، عصبانی باشد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تصریح کرده است: بی‌تردید سپاه و پاسداران انقلاب همچنان در اوج ایمان، آگاهی، اراده و آمادگی لحظه‌ای از حضور در صحنه‌های نیاز انقلاب و کشور دریغ نخواهد کرد و فرمان صریح مولا و مقتدای خویش مبنی بر اینکه: «مردمی باشید، مردم دوست باشید، مردم پذیر باشید، مردمی رفتار کنید» را نصب‌العین حضور خود در میدان‌های تکلیف و مأموریت‌های فرارو قرار خواهد داد.